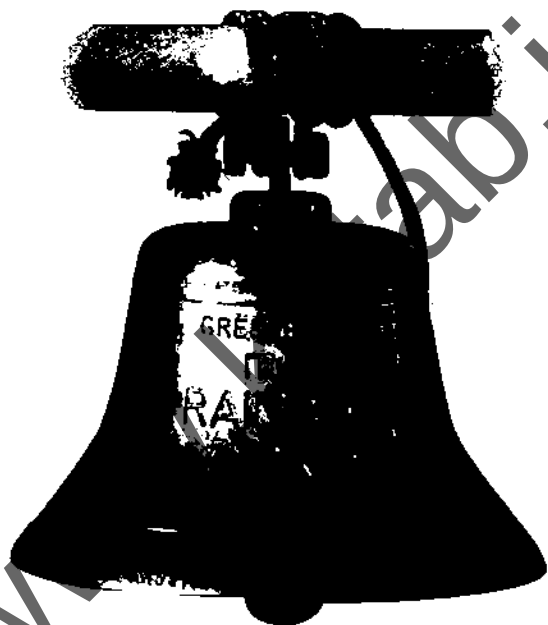


به نام خدا

حماسهٔ صلح سبز



GREENPEACE

نویسنده: میشل براون و جان می
مترجم: منیر شاخساری



شرکت انتشارات فنی ایران

حماسه صلح سبز

کتاب شماره ۳۷۵

نویسنده: میشل براون و جان می
مترجم: منیر شاخساری
نسخه پردازان: ابوالفضل بیرامی، مسعود رزدام
چاپ اول: ۱۳۹۰
لیتوگرافی: فرااندیش
چاپ: هادی
۲۰۰۰ نسخه
۶۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر مخصوص ناشر است.

خیابان میرعماد شماره ۲۴، تهران ۱۵۸۷۷۳۶۵۱۱، تلفن: ۸۸۵۰۵۰۵۵

www.sabzha.com info@sabzha.com

♦

سرشناسه	: براون، مایکل هرولد، ۱۹۵۲ - م
عنوان و نام پدیدآور	: حماسه صلح سبز نوشته میشل براون و جان می؛ ترجمه منیر شاخساری.
مشخصات نشر	: تهران: شرکت انتشارات فنی ایران، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۱۸۶ ص: مصور: ۲۹×۲۲ س م.
فروست	: شرکت انتشارات فنی ایران: ۳۷۵.
شابک	: 978-964-389-263-0
یادداشت	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: The Greenpeace story, c. 1991
موضوع	: سازمان صلح سبز -- تاریخ
موضوع	: محیط زیست -- حفاظت
موضوع	: طبیعت -- حفاظت
موضوع	: حیات وحش
شناسه افزوده	: می. جان، ۱۹۵۰ - م
شناسه افزوده	: May, John
شناسه افزوده	: شاخساری، منیر، ۱۳۴۲ - م. مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۶۹ TD ۱۳۸۸ ح ۴ ب
رده بندی دیویی	: ۳۳۳/۷۲۰۶۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۹۹۰۱۰

فهرست

صفحه	عنوان
۴	پیشگفتار
۶	فصل اول
۱۰	فصل دوم
۱۶	فصل سوم
۲۴	فصل چهارم
۳۲	فصل پنجم
۴۴	فصل ششم
۵۳	فصل هفتم
۶۴	فصل هشتم
۸۰	فصل نهم
۹۳	فصل دهم
۱۰۷	فصل یازدهم
۱۲۸	فصل دوازدهم
۱۵۶	فصل سیزدهم

زمین لرزه ایجاد نکنید

شاهد بردبار

سفری به درون بمب

بازگشت به موروروآ

نجات وال‌ها

خون بر روی یخ

جنگجوی رنگین کمان رهسپار دریا می‌شود

دریای مشکلات

پیشگامان جدید

نیروهای مخالف

پایان کار کشتی جنگجوی رنگین کمان؟

پیش به سوی جهان

آغاز دوره جدید



پیشگفتار

این کتاب کاملترین گزارشی است که تاکنون از یک سازمان استثنایی نوشته شده است، سازمانی که فعالیت خود را با چند نفر آغاز کرد و اکنون به شبکه‌ای بین‌المللی با بیش از ۳ میلیون عضو تبدیل شده است.

صلح سبز فعالیتش را با کرایه یک قایق کهنه شروع کرد اما اکنون دارای ناوگانی از کشتی‌های اقیانوس‌پیما و قایق‌های رودخانه‌پیماست. این سازمان کار خود را با مخالفت با یک آزمایش هسته‌ای آمریکا آغاز کرد و اکنون با طرح روزافزون مسائلی که محیط زیست طبیعی را تهدید می‌کند، دامنه فعالیت‌هایش را به گستره‌های پرشماری همچون زباله‌های سمی، باران‌های اسیدی، کشتار کانگوروها، سلاح‌های هسته‌ای در دریاها، شکار وال‌ها و آلودگی اقیانوس‌ها و بسیاری از موضوع‌های دیگر گسترش داده است. اینک این سازمان با حضوری مؤثر در اروپا، در پی ایجاد پایگاه‌هایی در آمریکای لاتین و آسیاست و حتی یک ایستگاه تحقیقاتی کوچک در قطب دارد.

تاریخ بیست سال گذشته، شاهد دگرگونی‌هایی نه تنها در سازمان صلح سبز بلکه در جهان بوده است. موضوع‌های زیست محیطی که زمانی کم‌اهمیت به شمار می‌آمدند، اینک به مسائلی محوری تبدیل شده‌اند، در سطوح ملی و بین‌المللی در دستور کار فوری قرار گرفته‌اند و توجه همه را به خود جلب کرده‌اند.

این حماسه بدون توجه به تلاش‌هایی در جهت کنترل آن، تکامل می‌یابد و به هر سو گسترش می‌یابد. این تاریخی است که نگارش آن بی‌وقفه و در عمل جریان دارد. داستانی که اینجا گفته می‌شود، پایان این حماسه نیست. درک ما از نیروهای تاریخی در هنگامه کار و در طی زمان عمیق‌تر می‌شود و با پیش آمدن رویدادهای تازه شمار بخش‌های این کتاب نیز افزایش می‌یابد. در این کتاب ما تنها کوشیده‌ایم گزارشی خواندنی از مردمی ترین و محبوب‌ترین جنبه صلح سبز، یعنی اقدامات آن ارائه کنیم. این جنبه، آن را از دیگر سازمان‌های زیست محیطی متمایز، و آن را به تیر خبرهای سراسر جهان تبدیل می‌کند. اقدام مستقیم، موضوع محوری فعالیت‌های صلح سبز است و این موضوع باید به طور مشخص اعلام شود، زیرا کلیشه‌های



رایج وسایل ارتباط جمعی چنین وانمود می‌کند که صلح سبز از این شیوه‌ها روی گردانیده و بیشتر به فعالیت اداری و دفتری می‌پردازد و به شیوه‌ای ملایم‌تر از مواضع افراطی پیشین خود عمل می‌کند. البته روشن است که این موضوع حقیقت ندارد و شمار فعالیت‌های مستقیم پیوسته رو به افزایش است. در واقع در سال‌های اخیر، چنین اقداماتی با اعمال نفوذهای سیاسی و بررسی‌های علمی تقویت می‌شود و از این راه درخواست‌های فزاینده سازمان برای ایجاد تغییرات، قدرت بیشتری یافته است. پافشاری مدام صلح سبز بر به کارگیری شیوه‌های غیر خشونت‌بار، حتی هنگام روبه‌رو شدن با خشونت، به ریشه‌های فرهنگی و ارتباط این سازمان با دیگر جنبش‌های بزرگ اجتماعی در قرن بیستم باز می‌گردد.

بمباران کشتی «جنگجوی رنگین کمان» Warrior Rainbow این سازمان را دگرگون کرد و اخبار آن را در صدر اخبار جهان قرار داد و همگان را از ماهیت نیروهایی که در برابر آن صف کشیده‌اند، آگاه کرد. با وجود رویارویی با خطرهای بسیار، صلح سبز سعی در محافظت از خط سبز باریک زمین دارد. صلح سبز در پی ایجاد تغییراتی اساسی در درک ما از جهان است. پیام این سازمان ساده است: آب پاکیزه، هوای تازه و آینده‌ای مطمئن حق همگان است.

صلح سبز ما را تشویق می‌کند که جهان را مجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر بدانیم، به زندگی روی زمین عشق بورزیم و بدانیم که مرزهای ملی، تقسیم‌بندی‌های دروغینی بر چشم‌اندازهای طبیعی اند تا روی آن بایستیم و بگوییم اینجا مال ما است. صلح سبز، با قرار دادن خود بین جهان طبیعی و قدرت‌هایی که در پی ویرانی آن‌اند، به سود همه ما تلاش می‌کند.

مانند تمام نظام‌های انسانی، صلح سبز نیز خطاها و ضعف‌های خود را دارد، با این همه مجموع فعالیت‌های صلح سبز که برای رسیدن به آینده‌ای بهتر انجام شده و اغلب همراه با نوع‌دوستی و بدون توجه به منافع شخصی و گروهی بوده بسیار چشمگیر است. صلح سبز، تاکنون در محدود کردن آزمایش‌های هسته‌ای، حفظ حیات وحش و آگاه کردن جهان از آسیبی که به زمین می‌رسد، فعالیت چشمگیری داشته است.

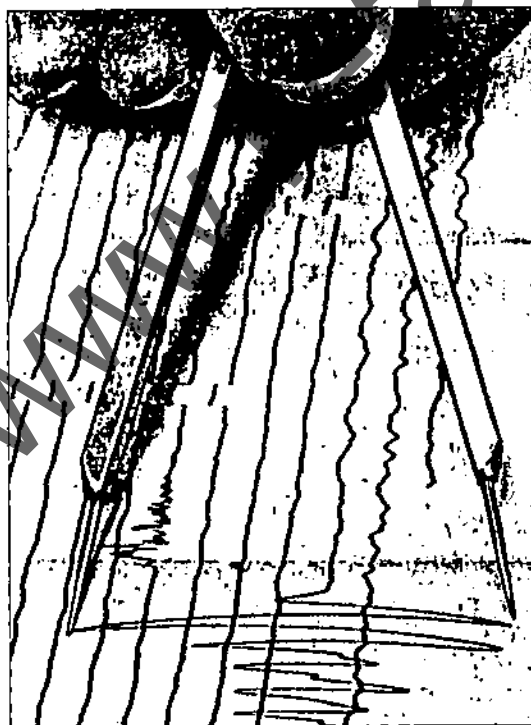
صلح سبز نیرویی است برای نیکی و امید، امید به این که می‌توان مشکلات زیست‌محیطی را حل کرد و با فعالیت‌هایش به ما یادآوری می‌کند که نه تنها امکان دگرگونی وجود دارد بلکه ضروری است.



فصل اول

زمین لرزه ایجاد نکنید

در جزیره‌ای کوچک در آمچیتکا بر آب‌های یخی ساحل غربی آلاسکا و نزدیک نوک مدار طولانی و پراکنده جزیره، آلیوتیانس بهشت حیات وحش بود. آشیانه‌ای برای عقاب‌ها و شاهین‌ها و آخرین پناهگاه برای سه هزار سمور آبی که در خطر انقراض قرار داشتند. تابلوهای روی ساحل صخره‌ای به بازدیدکنندگان هشدار می‌دادند که استفاده از سلاح‌های گرم در آن محل غیرقانونی است.



صبح روز دوشنبه تظاهرات بر ضد آزمایش بمب هسته‌ای در جزیره آمچیتکا شروع شد. در آغاز شاید صد نفر بودیم، ساعتی بعد دویست و تا پایان جلسه حدود سیصد نفر شدیم. ما از چه اقبال جامعه هستیم؟ در نگاه اول، مجموعه‌ای از تمام شهروندان، افراد محترم و آبرومند و جدی، بعضی آدم‌های کم سوادتر، چند استاد دانشگاه، وزیر، زنان خانه‌داری که در اجتماع کنترل آلودگی و محیط زیست شرکت کرده‌اند و به تازگی، همان طور که یکی از سخنرانان می‌گفت، فهمیده‌اند که اگر کارها به همین روال پیش برود و بیست سال دیگر نیز ادامه یابد، بدون شک، طولی نمی‌کشد که همه ما نابود می‌شویم. اینجا زنانی هستند که به تازگی باروش‌های سازمان آشنا شده‌اند و این مرا بیش از هر چیز دیگر امیدوار می‌کند. قدرت مادران آگاه و بیدار بی‌نظیر است. سیاستمداران در نظر داشته باشند که نیروی مردمی در هر شهر وجود دارد که تا به حال تنها برای مشارکت در نیکوکاری، مبارزات انتخاباتی و انجمن اولیا و مربیان از آنها استفاده شده است. اگر آنها برای رفع مشکل بزرگ کنونی به میدان بیایند، تأثیر زیادی خواهند داشت و نتیجه انفجار نیروی آنها همانند آزمایش بمب اتمی در آمچیتکا غیر قابل پیش‌بینی خواهد بود. (رابرت هانتر، ونکوور سان، دوم اکتبر ۱۹۶۹)

آمچیتکا در یکی از زلزله‌خیزترین مناطق جهان واقع شده است. در سال ۱۹۶۴ زمین‌لرزه‌ای بزرگ که بین ۸٫۳ تا ۸٫۶ ریشتر بود، قسمتی از مناطق آلاسکا را به مساحت هشتصد کیلومتر مربع ویران کرد. این زمین‌لرزه ۱۱۵ کشته و هزاران بی‌خانمان داشت و ۷۵ درصد از تجارت و صنایع این ایالت را از بین برد. همچنین باعث ایجاد موج‌های دریایی عظیم «سونامی» شد که سواحل غربی کشور آمریکا، هاوایی و ژاپن را در هم کوبید. طی ۱۸ ماه بعد بیش از ۱۰ هزار پس‌لرزه آنجا را تکان داد.

این محل دور از ذهن‌ترین پایگاهی بود که ایالات متحده آمریکا برای آزمایش زرادخانه هسته‌ای خود انتخاب کرده بود. در دوم اکتبر سال ۱۹۶۹، در آمچیتکا یک بمب اتمی یک مگاتنی در عمق ۱۲۰۰ متری زمین منفجر شد.

اسم رمز این آزمایش هسته‌ای «میلرو» بود، این انفجار گفت‌وگوهای فراوانی را برانگیخت. در آغاز مردم نگران بودند که این انفجار زمین‌لرزه‌های فاجعه‌بار دیگری در پی داشته باشد. روز پیش از آزمایش، ۱۰ هزار معترض با مسدود کردن اصلی‌ترین خط مرزی بین آمریکا و کانادا، نگرانی شدید خود را به این وضعیت نشان دادند. شعار آنها این بود: «زمین لرزه ایجاد نکنید، اگر گسل حرکت کند، شما مقصرید». این اولین بار از زمان جنگ سال ۱۸۱۲ بود که مرز بین دو کشور بسته می‌شد. در آن هنگام نیروهای آمریکایی در کانادا با انگلیسی‌ها مشغول جنگ بودند.

کمیته انرژی اتمی آمریکا (AEC) تمام اعتراضات را نادیده گرفت و در ساعت سه و شش دقیقه بعد از ظهر پنج‌شنبه اقدام به انجام آزمایش کرد. در ویکتوریای کانادا، لرزه‌نگارها امواج ۶٫۹ ریشتری را ثبت کردند، اما بمب به باعث ایجاد زمین‌لرزه شد و نه امواج جزر و مدی به وجود آورد، وحشت مردم برای مدتی کاهش یافت. سپس اعلام شد که تصمیماتی برای انجام یک آزمایش دیگر در سال ۱۹۷۱ با نام رمز «کانی‌کین» گرفته شده است. این بمب پنج بار قوی‌تر از «میلرو» بود، باید کاری انجام می‌شد.

نیروهای متحد

یکی از فعال‌ترین افراد در اعتراضات ضد هسته‌ای «جیم بولن» بود. او غواص اسب‌های عمیق و در زمان جنگ جهانی دوم مسئول رادار نیروی دریایی آمریکا بود. جیم بولن اهل نیویورک بود و در جنگ جهانی دوم در اقیانوس آرام خدمت می‌کرد. هنگامی که در سال ۱۹۴۵ آمریکا اولین بمب اتمی را روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی انداخت، او در اکیاناوا بود.

پس از جنگ، بولن به دلیل مهارت‌هایش در پروژه‌های موشکی آمریکا یعنی در زرادخانه رو به رشد دوران تسلیحات فضایی آمریکا مشغول به کار شد. اما به دلیل «بحران موشکی کوبا» در سال ۱۹۶۲ و تهدید جنگ هسته‌ای دچار نگرانی شد و بیش از پیش به مخالفت با سیاست‌های دولت پرداخت. جیم بولن به شدت مخالف دخالت آمریکا در جنگ ویتنام بود و هنگامی که در سال ۱۹۶۶ پسر خوانده‌اش به خدمت نظام فرا خوانده شد، از شغل خود استعفا داد و به همراه خانواده‌اش به ونکوور کانادا رفت و به عنوان محقق محصولات جنگلی مشغول به کار شد.

در آنجا بولن و همسرش ماری فعالانه در جنبش‌های صلح‌طلبانه شرکت کردند و به سربازان آمریکایی که از خدمت سربازی فرار کرده بودند، کمک می‌کردند و آنها را در خانه خود جای می‌دادند، در این فعالیت‌ها با افراد مهم جدیدی آشنا شدند. هنگام تظاهرات ضد جنگ در سال ۱۹۶۷، بولن‌ها با زوجی «کواکر»^۱ یعنی ایروینگ و دروتی استو آشنا شدند.

۱. کواکرها (Quaker) یا انجمن دوستان، گروهی مذهبی در انگلستان که معتقدند انسان می‌تواند بدون واسطه و با هدایت نور درونی با خدا ارتباط برقرار کند. م.

خانواده استو نیز در سال ۱۹۶۱ از امریکا گریخته و به زلاندنو رفته بودند. دروتی به خاطر می‌آورد که: «فکر کردیم اگر در نیمکره شمالی قتل عامی صورت بگیرد، ما در اینجا شانس زنده ماندن خواهیم داشت، و... در واقع نمی‌خواستیم که فرزندانمان در معرض وحشت آزمایش‌های هسته‌ای قرار بگیرند. در سال ۱۹۶۶ آنها به ونکوور رفتند و در آنجا ایروینگ به عنوان وکیل به زودی راهی برای بروز احساسات ضد جنگ خود در روزنامه «جورجیا استریت» پیدا کرد.

ایروینگ، بولن را با اصول کواکرها آشنا کرد. کواکرها به نوعی اعتراض موسوم به «شاهد بردبار» اعتقاد داشتند، گونه‌ای مقاومت غیر فعال که به معنی شرکت در صحنه مبارزه اعتراض‌آمیز و نشان دادن مخالفت خود تنها با حضور در آن صحنه اعتراض بود. بولن و استو در کانادا از اعضای فعال یک گروه مهم حفاظت از محیط زیست به نام کلوب «سی‌پرا» شدند و در سال ۱۹۶۹ پس از مبارزه‌های زیست‌محیطی فراوان محلی، توجه خود را بر مسئله تهدید آمچیتکا متمرکز کردند. هر دو نفر بیش از پیش نگران رخدادهایی بودند که در صورت انجام آزمایش‌های اتمی بیشتر، در جزیره پیش می‌آمد. مسئله این بود که چگونه موضوع را به آگاهی مردم امریکا برسانند، جایی که بیشتر مردم حتی اطلاعی از برپایی تظاهرات از سوی کانادایی‌ها نداشتند. به گفته بولن: «ماری و من از کلوب «سی‌پرا» ناامید شده بودیم، زیرا آنها هیچ کاری برای توقف آزمایش سلاح‌های هسته‌ای انجام نمی‌دادند و در امریکا، رسانه‌ها حتی گزارشی از اقدامات دانشجویان اینجا ارائه نمی‌کردند، ماری به من گفت که کواکرها در سال ۱۹۵۸ کوشیدند یک کشتی را در نزدیکی جزیره مرجانی «بیکنی» در جنوب اقیانوس آرام به آب بیندازند و بر ضد آزمایش بمب‌های هیدروژنی اعتراض کنند. اسم کشتی «گلدن رول» بود. آنها پیش از آنکه به آن محل برسند، در هاوایی دستگیر شدند و این موضوع سبب انتشار اخبار مختلفی درباره آنها شد... چرا ما یک کشتی تهیه نکنیم و به آنجا برویم؟» بولن ادامه داد: «من این نظر را پذیرفتم، پس از آن تلفن زنگ زد. بعضی از روزنامه‌نگاران می‌خواستند بدانند در جنبش زیست‌محیطی چه خبر است؟ آنها به دنبال یک سوژه داغ می‌گشتند تا درباره آن مطلب بنویسند.» من به آنها گفتم: «من و همسرم داشتن فکر می‌کردیم که اگر یک کشتی را به «جزیره آلیوتانس» ببریم و بر ضد بمب‌ها تظاهرات کنیم، می‌توانیم یک الم شنگه حسابی راه بیندازیم.» روز بعد این مطالب در روزنامه‌ها به چشم می‌خورد. عنوان خبر روز نهم فوریه سال ۱۹۷۰ این بود: «کلوب سی‌پرا تصمیم به محاصره محل انفجار دارد.» کلوب سی‌پرا در امریکا به این اظهارات جسورانه وابسته کانادایی خود

تظاهرات مرزی: صدها کانادایی در تظاهرات برای پایان دادن به برنامه پیش‌بینی شده آزمایش‌های هسته‌ای گرد آمده‌اند.

